الغُلُو [الزيادة وتجاوز الحد في الدِّين]

حضرة الباب

نسخه اصل فارسی

الغُلُو - الزيادة وتجاوز الحد في الدِّين

- "يا أهل الأرض لا تغلوا في كلمة الذّكر و لا تقولوا على الذّكر إلّا الحقّ و ما أنزل الذّكر آياته إلّا بالحقّ و كان الله على كلّ شيء شهيدا"، **قيوم الاسماء، سورة المعين**

- "يا أيّها الملأ لا تغلوا في الذّكر دون العبوديّة لله الّذي لا إله إلّا هو فمن ادّعى دون ذلك فكأنّما حارب الله و أولياآئه و قد أعدّ الله له في الآخرة عذابا كبيرا"، **قيوم الاسماء، سورة الأولياآء**

- "يا أيّها المؤمنون لا تغلوا على الذّكر إلّا بالأسمآء الحقّ من عند الله و ذروا المشركين في طغيانهم فإنّ لكلّ نفس في يوم القيامة مقاما على الصّراط قد كان بالحقّ موقوفا"، **قيوم الاسماء، سورة القسط**

- "الباب السابع و العشر من الواحد الخامس فی ذکر الواجب فی کل شهر بأن یذکر الله فی کل یوم خمس و تسعین مرة "الله ابهی" فی یوم الاول "الله اعظم" فی الثانی الی ان ینتهی "بالله اقدم" فی یوم التاسع و العشر آخر یوم الشهر. ملخص این باب آنکه از طلوع شمس تا غروب آن خداوند اذن فرموده هر نفسی را که نود و پنج مرتبه بگوید "الله ابهی" یا "الله اعظم" یا "الله اظهر" یا "الله انور" یا "الله اکبر" یا امثال این نوع کلمات ممتنعه لعل در یوم قیامت از برکت تلاوت این اسماء مقدسه بشرف هدایت آن نیر اعظم و طلعت قدم فائز گردد و تواند در آن روز بهدایت حروف حی مهتدی گردد نه اینکه این اسماء را بخواند و از ادلاء بر آن محتجب گردد زیرا که مثل این اسماء مثل کینونیات ادلاء علی الله است همین قسم که این حروف دلالت میکند بر اینکه خداوند اعظم تر از این است که وصف کرده شود همین قسم این کینونیات دلالت میکند بر اینکه خداوند اعظم تر از این است که نعت کرده شود نه این است که حروف واحد از حد مثالیت خود تجاوز نمایند زیرا که سبیلی از برای احدی بسوی ذات ازل نبوده و نیست وآنچه در امکان ممکن خلق او است و حروف واحد ادلا اسماء او هستند بر خلق او که در آنها دیده نمیشود الا الله وحده وحده و در مقامی که آنها دیده میشوند خلق الله اند و در مقامی که دیده نشود در ایشان الا الله آن وقت حروف حقند ان یا عباد الله تتقون که در آنها غلو ننموده اگر چه هر چه غلو کنند نتوانند ادراک کنند ایشان را و هر چه دنو کنند در حق ایشان در اقرار عبودیت ایشان بوده وهست ولی علو ایشان بمرآتیت افئده ایشان هست که دلالت نمیکند الا علی الله وحده از این جهت حروف تسبیح و تحمید و تهلیل وتکبیر خداوند عالم ایشان را قرار داده نه در حین تکبیر نظر کنی بایشان که حین نظر محتجب میگردی بل همین قسم که

در حروف الله اکبر نمی بینی الا الله را در آن کینونیات هم مشاهده نمیشود الا الله قل کل خلق لله و کل له عابدون."، **البيان الفارسي، ١٧ : ٥**

• " الباب الاول من الواحد التاسع فی ان عز کل الارض لله و فرد کل مداین لله و ان بیوت التی یومئذ تنسب الی الملوک من یصلی فیها من اولی البیان فلیصدق بمثقال من فضة الا و ان یسکنن فیه ما ینسب الی حروف الواحد او شهداء البیان و فی کل مقاعد العزة فلتخلیون عنها علی عدد الواحد مقام نفس اذا کان الارض واسعة و الا الواحد بلا عدد لیکفین العاملین و لابد ان یلحق محل ما قبض من النقطة فی احد الحرمین و یبنی علی ذلک المقعد بیتا من المرآت لیذکرن الله و یصلین فیها. ملخص این باب آنکه عز هر ارضی لله بوده و راجع میگردد یوم ظهور "بمن یظهره الله" او بما اذن و همین قسم عز مداین و امکنه که از سلاطین قبل بوده اگر کسی از اهل بیان در آن نماز کند بر او است که یک مثقال فضه انفاق کند تا آنکه ساکن نشود در آنها الا شهداء بیان و مظاهر واحد دهر مجلس عزی که منعقد گردد بلا عدل سزاوار است که مکان عدد واحد را خالی گذارده که اگر آن ساعت "من یظهره الله" با حروف حی ظاهر گردند کسی مقترن نگردد بجواهری که از بیان اخذ میشود در آن ظهور واگر مجلسی وسیع نباشد محل یک نفس اذن زیاده داده نشده و همچنین هر مقعدی محل یک نفس سزاوار است که خالی گذارند زیرا که دیده میشود که در بیت خود "من یظهره الله" هم این قسم ظاهر است که از مقعد آن منع مینمایند او را چونکه نمیشناسند او را لاحترام او باسم او ولی او میشناسد کل را و میخندد بر عبادیکه از برای اسم او این نوع اعظام و احترام ملاحظه مینمایند ولی یوم ظهور او از او محتجب میمانند با نیات خود و طین ما قبض من النقطة امر شده که در یکی از حرمین واقع گردد و بر آن حجرهٔ ازمرآت مرتفع شود که در آن مصلیان صلوة خود را ادا نمایند تا آنکه امارتی باشد در نزد خلق بر اینکه نقطه بیان عبدی بوده مخلوق و مرزوق و مولود و موروث و آنچه من الله تکلم نموده از او است نه از او که کسی غلو ننماید و از حد عبودیت تجاوز نکند چه سائرین در بیان سیر و عروج ایشان را نتوان اقتران داد بسائرین در قرآن چگونه رسد ما علی الارض ولی کل این سیاران طائفند حول سیاران در ظهور "من یظهره الله" زیرا که حق در آن روز بایشان ثابت میگردد نه بدون ایشان و لتتقن الله فی کل ما نزل من عنده فان امر الله فی الاعلی مثل الادنی ان یا عباد الله فاتقون."، **البيان الفارسي، ١ : ٩**

• "وإنّ ما سئلتَ عن ثبات قلوب المؤمنين ولذة أفئدة المؤمنين فإيّاك إيّاك عن الغُلُوِّ وذِكر أسماء الله في الكتاب فإنّني أنا عبدٌ مملوكٌ مرزوق لا أملكُ لنفسي نفعًا ولا ضرًّا لا أعلمُ شيئًا في السّمٰوات ولا في الأرض إلّا ما شاء الله وما أمرتُ أحدًا إلّا بحكم القرآن وأحكام أهل البيان ولستُ بأن أقول عندي غيب السّمٰوات والأرض أو علم كائن ولا يكون ولا أن أقول حرفًا دون ما نزل فيه الكتاب والنّصّ من أئمّة الفضل فاصرف النّاس عن الغُلُوِّ فِيّ فإنّ الله يعلم يهلك فيّ إثنان محبّ غال ومبغض قال وليس ذنبهما عليّ لأنّني أنا قلت من قبل وأقول الآن في بين يديّ الله ورسله وأشهد بأنّي عبد آمنت بالله وآياته لقد أكرمني الله بفضله ما شاء عن علوم أهل العصمة - صلوات الله عليهم - ما طلعت شمس الهويّة بالهويّة ثمّ ما غربت شمس الأحديّة بالأحديّة وإنّي حدّثت النّاس بنعمة ربّي فمن شكر فإنّما يشكر لنفسه ومن كفر فإنّ الله ربّك لغنيّ عن العالمين وسبحان الله ربّ العرش عمّا يصفون وسلام على المتّبعين أمر الله وإنّهم لهم الفائزون وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ"، **في جواب أسئلة الملا أحمد**